

۱۲ مارس ۲۰۲۶ - ۲۱ اسفند ۱۴۰۴

شرمتان باد!

مظفر محمدی

از ترامپ و نتانیاهو، این نمادهای ننگین و شرم آور جهان سرمایه و سود، تا دلکان عرصه سیاست و تبلیغات و پروپاگاندا اینترنتی، صدای امریکا، بی بی سی، من و تو ... شرمتان باد. خجالت بکشید. تک تک شماها ده ها میلیون انسان مستاصل ایران را فریب دادید. دروغ گفتید، سیاه را سفید و سفید را سیاه نشان دادید. کف بر دهان، بوی عفونت کلام تان که "کمک در راه است"، جامعه ما را مسموم کرد. شرمتان باد.

دلکان مفسر و کارشناس و مخبر و گزارشگران، شبانه روز خروار خروار خاک به چشم مردم پاشیدند. چشم در چشم ما دروغ گفتید، تحریک کردید، تهییج کردید... آیا خود به حرف هایتان باور کردید؟ شرمتان باد، چرا که هر چه گفتید، عکس آن اتفاق افتاد. از "کمک در راه است"، جوی خون جاری شد، ویرانی بر سر مردم بارید، کودکانمان کشته شدند و زنده هایشان شبانه با صدای بمب هایتان از خواب پریدند و وحشتزده به دامن مادرانشان پناه بردند. ترس و ترومایی که تا آخر عمر با آن ها خواهد ماند.

شرمتان باد که با ماسک حمایت از مردم اما برای اهداف پلیدتان بر سر مردم بمب فرو ریختید، مدارس و بیمارستان ها را بر سر کودکان و بیماران ویران کردید. شما دلکان مبلغ از مفسران و تحلیلگران مفت گو تا مجریان پر رو، جنایات را سفیدشویی کردید و هر چه از عفونت دهان ترامپ و نتانیاهو در آمد با صدای حماسی و وعده ی پیروزی به مردم فروختید.

شرمتان باد که شکست تان را پیروزی تعریف می کنید. شرمتان باد که جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی ما را در زیر آوار بمب هایتان دفن کردید، کمر ما را خم کردید. جوانان ما را با شعار و فراخوان "بروید بگریید و نگه دارید" با دستان خالی به جنگ سلاح گرم و مسلسل های دشمن فرستادید. شرمتان باد که اعتراض و مبارزه ما را قیچی کردید.



حزب حکمتیست (خط رسمی)

برای دفاع از زندگی و امنیت خود دست به کار شوید

صفحه ۴

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی)

صدای مردم در ایران باشیم!

صفحه ۵

مشکل شیرین عبادی در "عشق به مردم ایران"

آذر مدرسی

صفحه ۳

مردم ایران و جنگ

مردم ایران و جمهوری اسلامی

ثریا شهابی

جنگ آمریکا و اسرائیل با ایران، به بهانه "خطر اتمی"، که ۲۸ فوریه آغاز شد و عملیات تلافی جویانه ایران، نه تنها نشانی از فروکش کردن ندارد، که بنحو غیرقابل کنترلی در حال گسترش است.

علاوه بر قتل عام و کشتار جمعی دانش آموزان و کادر آموزشی مدرسه ابتدایی در میناب در شروع این حملات، علاوه بر کشتار مردم و تخریب هزاران خانه مسکونی و تاسیسات و ساختمان ها و ...

صفحه ۷

زمانی که نقابها از چهره می افتند

(جنگ، مردم کردستان و ائتلاف ناسیونالیستها)

خالد حاج محمدی

جنگ و بمباران همه جانبه در ایران و منطقه ادامه دارد. ۱۳ روز است مردم ایران زیر غرش هواپیماهای جنگی و بمب و موشکهای مهیب، در ترس و وحشت زندگی میکنند. عواقب این جنگ مستقل از هزینه های بزرگ انسانی، تأثیرات مخرب روحی و روانی و ویرانی هایی آن، مستقل از لطمات سنگین آن بر جنبش اعتراضی و آزادیخواهانه مردم ایران علیه جمهوری اسلامی و مستقل از عواقب سنگین اقتصادی آن

صفحه ۶

جنگ و بمباران آزادی برای مردم ایران نخواهد آورد

دشتی جمال

صفحه ۴

به بازی گرفتن کلوپ ناسیونالیسم کرد توسط آمریکا و اسرائیل!

محمد جعفری

صفحه ۱۰

آزادی برابری حکومت کارگری

شرمتان باد که بالاخره با به بن بست رسیدن جنگ خانمانسوزتان، نهایتا عقب می نشینید و اعلام پیروزی میکنید. در عوض ما ده ها میلیون انسان را در مقابل دشمنی هارتر، مغرورتر، حق به جانب تر و با اعتماد به نفس تر قرار میدهید. زمانی که شما با پرچم دروغین پیروزی برمیکردید، اما ما تاوان نمایش خون و جنایت و عفوالتان را میدهیم.

اگر ترامپ و نتانیاهو بی شرم و بی آبروتر از همه اند و به روی خود نیاورند، اما شما از رضا پهلوی ابله و خرفت تا خیل مبلغین و مفسرین و مجریان میدیای بی شرم و شعار پرچم شیر و خورشید نمی توانید شرمتان را پنهان کنید. اگر عرق شرم و خجالت پیشانیان را پاک کنید، اگر وانمود کنید بیعارید و به روی خود نمی آورید...، اما شرم و خجالت مثل خوره است و از درون شما را میخورد. تظاهر به زنده ماندن آبرومند شما را نجات نمی دهد. شماها درجهنم خجالت خرد می شوید. هر روز در آینه نگاه کنید، یک موجود خرد شده، بی آبرو و شکست خورده می بینید.

تحلیلگران ابله بورژوازی شبانه روز خروارها ترشحات ذهن بیمار و توهمات و تخیلاتشان را به نام سیاست به مردم می فروشند. هیچکدام شهامت ندارند حقیقت را به مردم بگویند. نمی فهمند و یا پنهان میکنند واقعیتی را که این جنگ پیروز ندارد، تاوانش را مردم ایران با ویرانی خانه ها و کشتار کودکان و ناامنی زیر بمباران پرداخته و می پردازد. نگفتند بس کنید، ویرانگری و کشتار و جنایاتتان، جمهوری اسلامی را سرنگون نمی کند. اما ده ها میلیون انسان را زخمی و عزادار کودکان و عزیزانشان زیر آوار ویرانی بمب ها میکند.

نمیگویند و پنهان میکنند که شعار "حمایت از مردم" ترامپ و نتانیاهو، یک دروغ کثیف و ادعایی شرم آور است. آمریکا هیچ وقت و در هیچ برهه ی تاریخ به هیچ ملت و مردمی خدمت نکرده و برای گرسنگی و فقر و سرکوب و کشتارشان از جانب دولت های سرکوبگر، تره خرد نکرده است. دولت های آمریکا و غرب منافع اقتصادی و سود سرمایه هایشان را تعقیب می کنند ولو به قیمت راه انداختن جوی خون و ویرانی کشورها. از ویتنام تا همین دهه های اخیر لیبی، سوریه، عراق، افغانستان ... این ها شواهد و لکه های ننگ و سیاهی است بر پیشانی دول غرب و آمریکا و سازمان ملل و حقوق بشرشان. شرم بر همه تان. شرم بر چتر دروغین دمکراسی و حقوق بشرا دعایی تان.

بجز تعداد قلیلی، یک لشکر مفسر و مبلغ و تحلیلگر و فلاسفه ی ابله و نان به نرخ روز خور برای نظام پلید و تبهکار سرمایه یقه پاره می کنند و کف می چرانند و به بشریت دروغ میگویند. تاریخ جنایات این نظام کثیف را سفیدشویی می کنند و بشریت را به پذیرش بوغ بردگی این جانیان بشر، دعوت می کنند.

از ترامپ و نتانیاهو تا دلچکان و پادوهای عرصه تبلیغات و پروپاگاندا اینترنشنال، صدای آمریکا، بی بی سی، من و تو ... شرمتان باد. خجالت بکشید. جهان متمدن و بشریت آگاه با چشمان باز شما را نگاه می کند. نمیتوانید چشم بندی کنید، نمیتوانید مردم را بفریبید.

اگر معیار پیروزی در جنگ جنایتکارانه ی کنونی، میزان حملات و بمب ها و موشک ها و کشتار و ویرانی و تخریب شهرهای ما است، شما و ترامپ پیروزید. اما در عرف انسانیت و وجدان بیدار بشریت، کشتار و تخریب پیروزی معنی نمی شود. شما اهداف پلیدتان از جنگ را مخفی میکنید. این که نفت ایران را مثل ونزوئلا مفت میخواهید، این که ایران را از بلوک شرق بویژه چین کنده و به خود ملحق کنید، این که خاورمیانه جدید به نفع آمریکا و اسرائیل بسازید... را علنا به مردم نمیگویید.

بعلاوه جنگ شما اهداف ادعایی مثل "تسلیم بی قید و شرط جمهوری اسلامی" را متحقق نکرد. به هدف "رژیم چنج" نرسید و جمهوری اسلامی را سرنگون نکرد. نتانیاهو هم "فروپاشی جمهوری اسلامی"، جنگ داخلی و سناریوی سیاه را هدف خود قرار داده است. هدفی که اگر متحقق میشد یا بشود، سرنوشتی بسیار دهشتناک تر از عراق و سوریه نصیب مردم ایران خواهد شد.

آن بخشی از مردم ایران که بدلیل سرکوب وحشتناک و کشتار جمعی دی ماه به دخالت خارجی و جنگ امید بستند، امروز دیگر این امید را ندارند. از هر کس بپرسید خواهد گفت "ما ركب خوردیم"، فریب خوردیم. این درس تلخی است که تاوانش بسیار سنگین بوده است.

مردم ایران خواهان قطع فوری و بی قید و شرط جنگ هستند. زندگی زیر بمب های چند تنی آمریکا جهنم واقعی است. ما مردم ایران می توانیم سرنوشت خود را تعیین کنیم. ما تا حالا از همه طرف ضربه خوردیم و زخمی شدیم. ما بیش از چهار دهه است از نظام پلید جمهوری اسلامی ضربه میخوریم، کشته میشویم، گرسنه و بیکار و اسیر فلاکت هستیم. اما دشمن ما فقط جمهوری اسلامی نیست. از ترامپ و نتانیاهو، تحریم و جنگ و دخالت خارجی تا ارتجاع پلید رضا پهلوی و فرقه های چون مجاهدین و قوم پرستان همگی صفی از دشمنان مردم ایران را تشکیل میدهند. ما از زمین و زمان زخمی شدیم ولی تسلیم نیستیم. خم شدیم ولی نشکستیم.

مردم ایران بار دیگر از زیر بار جنگ و ویرانگری امروز کمر راست خواهند کرد. مردم آگاه ایران شعار فریبکارانه و احمقانه ی جنگ طلبان که "بعد از جنگ نوبت شما است" را به تمسخر میگیرند. مردم به زوزه های ارتجاع رضا پهلوی این دلچک نتانیاهو که گویا مردم امروز زیر بمباران اعتصاب میکنند و بعد از جنگ به خیابان برمیکردند، گوش نمی دهند. فراخوان های رضا پهلوی نه از سر شعور و معرفت و آگاهی به عالم سیاست و آشنایی با جامعه ایران، بلکه از سر شکم سیر و جیب پر از دلار امریکایی و رویای تاجگذاری وراثتی است. این ابله و فریب خوردگانش هیچ ربطی به منفعت جامعه و مردم ایران ندارند.

جنبش های اجتماعی رهبران و فعالین و شبکه های اجتماعی خود را داشته و دارند. جنبش سرنگونی نه با شعار و فراخوان ابلهانی چون رضا پهلوی و مریم رجوی، بلکه در نتیجه ی گسترش و هماهنگی و سازمانیافتگی هر چه بیشتر جنبش های کارگران، زنان، دانشجویان، جوانان و دیگر زحمتکشان حقوق بگیر در همه ی این سال ها برای آزادی و برابری و رفاه و امنیت، به پیروزی خواهد رسید.

زنده باد آزادی، برابری

زنده باد سوسیالیسم

مارس ۲۰۲۶ اسفند ۱۴۰۴



برای آزادی و برابری به حزب حکمتیت بپیونید

مشکل شیرین عبادی در "عشق به مردم ایران"

آذر مدرسی

سیزده روز است که جهان شاهد صحنه های دلخراش کشتار مردم بیگناه در ایران توسط بمب افکنها و موشکهای امریکا و اسرائیل است. سیزده روز پیش کابوسی که نفس را در سینه همگان حبس کرده بود متحقق شد و در یک چشم برهم زدن زندگی میلیونها انسان در ایران و آینده این جامعه را با خطر نابودی روبرو کرد.

برای ما، کسانی که برای تبدیل نشدن ایران به لیبی و سوریه و غزه تلاش کردیم و جنگیدیم، نیروهایی که نه فقط تأثیرات هولناک چنین حملاتی را بر زندگی بیش از نود میلیون انسان در ایران هشدار میدادیم، بلکه در مقابل کف چرانی لشکر جنگ طلبان، از قصابان غزه تا ارتش بی جیره موجب شان در اپوزیسیون ایران، ایستادیم و مردم را برای مقابله با شرایط دهشتناک جنگ آماده میکردیم، این روزها دردناک ترین و سخت ترین روزها است.

دیدن روند سریع تبدیل شدن مردمی که با اعتماد به نفس و گامهای سنگین خود از کارخانه تا دانشگاه میرفتند تا آینده ای آزاد، برابر، سعادتمند و امن را بدست خود، با خلاصی از جمهوری اسلامی به قدرت خود، رقم بزنند، در چشم برهم زدن به مردمی جنگ زده، زیر بمباران های دائمی، هراسناک از آینده و محصور دولتهای ارتجاعی، از جمهوری اسلامی تا اسرائیل و امریکا، بدون داشتن کمترین دورنمای روشنی از چگونگی پایان این جنگ و آینده خود، دردناک است.

عاملین و مسببین این حمله بی تردید در صف اول آمریکا و اسرائیل اند که باید بعنوان جنایتکاران جنگی پشت میز محاکمه قرار گیرند. با این وجود نیروهای سیاه و پیاده نظام آنان، از مجاهد تا پهلوی و نیروها و باندهای ارتجاعی کرد، نیروهایی که فقط در دل ویرانی و جنگ شانس در آینده سیاه ایران خواهند داشت، جاده صاف کن ها و آتش بیارهای معرکه ویرانی ایران که بنام اپوزیسیون و پروژه "آزاد سازی" ایران جوانان بیگناه را سیاهی لشکر این منجلاب کردند و با فریبکاری و شیخ ترین تبلیغات جنگ طلبانه، بنام مردم ایران صحنه را برای این جنگ آماده کردند، نه تنها غیر قابل بخشش است که باید بعنوان شرکای این فاجعه توسط مردم مورد حسابرسی قرار گیرد.

دستگاه تبلیغات جنگی این کمپ، از کانالهای عبری زبان ۱۲ و ۱۴ اسرائیل تا ایران اینترنشنال و من و تو، کانالهای فارسی زبان ۱۵ و ۱۶ اسرائیل، و لشکر سایبری آنان که زمینه ساز و جاده صاف کن این جنگ و کشتار و دستگاه شستشوی مغزی دادن بخشی از مردم ایران بودند، باید بعنوان مهندسين زرادخانه های جنگی علیه مردم ایران، مورد حسابرسی قرار گیرند. مردم که در دل این جنگ، تک تک این نیروها را در کنار نتانیاهو، قصاب غزه، و ترامپ، کانگستر جهانی، بعنوان حامیان جنایتکاران جنگی، بعنوان کمک کنندگان به عامل این کشتار و ویرانی، و نابودی امروز و آینده خود، نگاه میکنند و به صورتشان تق می اندازند.

در میان طالبان جنگ و کسانیکه نه فقط بر طبل ضرورت جنگ بعنوان "تنها راه نجات مردم" میکوبید که در رسماً حمله نظامی و ترور را از ترامپ گدایی کردند شخصیت بیمایه، فرصت طلب و نان به نرخ روز خور شیرین عبادی است که بیش از همه "می درخشد"! "بانوی نوبل" و "شیرین زبان" که اصرار دارد همیشه کامیونی از القاب دهان پر کن، مانند "حقوقدان، قاضی دادگاه، فعال حقوق بشر، مدرس دانشگاه، نویسنده و .. برنده جایزه نوبل"، را برای جلب مشتری بی بضاعت و بی بهره از سواد، پدک بکشد.

شیرین عبادی که به یمن کشمکش غرب و جمهوری اسلامی افتخار کسب جایزه نوبل و پیوستن رسمی به لشکر چهره های پرو غرب، را بدست آورد. در نامه مشترک خود با تعدادی از همپالگی هایش رسماً خواهان حمله نظامی به ایران شد و زمانیکه به این استاد و قاضی و برنده جایزه صلح نوبل، به این "حقوقدان با تجربه" و البته ابله، تأثیرات مخرب و هولناک جنگ بر زندگی مردم را هشدار دادند، مقام معظمشان تلاش کردند کمی به ذهن کوتاه خود فشار بیاورند و جواب درخوری بدهند، اعلام کرد او خواهان ترور، "نقطه زنی"، سران جمهوری اسلامی بوده نه جنگ!

کسی که فراموش نمی کند دائما مدال جایزه صلح نوبل و ضدیت با تروریسم را به گردن اندازد، از درگاه ترامپ خواهان "ترور بشر دوستانه" میشود و با

وفاحتی غیر قابل باور آنرا "دفاع از مردم ایران و آزادی و امنیت شان" قلمداد میکند.

اگر از همین "قهرمان صلح" سوال کنید آیا ترور نتانیاهو توسط ارتجاع اسلامی به جرم جنایت علیه مردم فلسطین و نسل کشی هم در زمره "تروریسم بشردوستانه" قرار میگیرد، قطعاً به سمت رفتار "متمدنانه" شیف میکند و تروریسم را محکوم خواهد کرد. عبادی چهره بیمایه جهان وارونه امروز، جهان پیروز "بازار آزاد و دمکراسی"، است. جهانی که در آن همه چیز از حق حیات تا حق آزاد بودن و حق برابر بودن نسبی است. جهانی که در آن دو نوع تروریسم و جنگ و کشتار و نسل کشی داریم. جهان ریاکار و بی استانداردها و بی ضابطه و موازین متمدنانه ای که در آن جنگ نه مقررات جهانشمولی دارد و نه جبهه های معینی! بسته به اینکه چه کسی دوست و چه کسی دشمن است، مقررات جنگ و صلح و حقوق اسرا و محکومین و مجرمین جنگی وزندانان و درست یا غلط بودن شکنجه و .. همه و همه نسبی است! "جنگهای بشردوستانه" و "تروریسم بشردوستانه"، "نسل کشی بشردوستانه"، بمب های "بشردوستانه" و غیربشردوستانه و .. مدت ها است ایندولوزی رسمی دمکراسی غربی در حال فروپاشی است و عبادی شاگرد و محصول این مکتب است.

حقوقدان "باوجدان" و "شرافتمند" ما که برای حمله نظامی به ایران تبلیغ میکرد، پس از سیزده روز بمباران و کشتار و با دیدن ابعاد دهشتناک جنگ، برای پاک کردن پرونده سیاه خود به تکاپو افتاده و اعلام میکند "پس از ترور خامنه ای و سران نظام ادامه جنگ نامشروع است." خجالت هم خوب چیزی است! پنهان کردن خود از انظار قربانیان به اجرا درآمدن آرزوی ایشان، شرافتمندانه تر از چنین ابراز نظری پس از فاجعه است! عبادی جایزه نوبل خود را زیادی جدی گرفته و "بلاهدت" مردم در ایران را زیادی "فرض" گرفته است. او که قادر نشد در میان رجال پهلوی چی، کسی شود و به خدمه مهمی در دربار "اعلیحضرتین" کاغذی تبدیل شود، کسی که در میان پیاده نظامهای نتانیاهو و ترامپ به مقام شامخی جز گماشته ارتقا نیافت، تلاش میکند جایی در "قلب مردم" پیدا کند. دلیل نامشروع شدن جنگ برای عبادی پس از سیزده روز از این رو است نه احتمالاً بیدار شدن وجدان نداشته!

عبادی که "از بخت بد" فاقد "ژن" خاندان پهلوی است و در میان نیروهایی چون رضا پهلوی و مشاوران کار کشته تر سناریو سیاهی ایشان و امثال مریم رجوی ها و عبدالله مهدی ها و .. مقام شامخی ندارد و همه تلاش هایش برای معذرت خواهی از خاندان پهلوی که "غلط" کرد و در انقلاب ۵۷ در خدمت آنها باقی نماند و .. به بیت رضا پهلوی راه نیافت، امروز فرصت طلبانه به دنبال راهی است برای فرار از لجنزاری که در شکل دادن به آن نقش داشته است.

مردم ایران، فهیم تر و با تجربه تر از آن هستند که بتوان با این آکروبات بازی ها، به حقایق تغییرات در صف دوستان و دشمنان شان پی نبرند. شیرین عبادی راه فراری ندارد. نام او در تاریخ جدال مردم ایران برای آزادی، برابری و رفاه در کنار رضا پهلوی و عواملش در صف نئوپهلویستها، نیروها و باندهای ناسیونالیست-فاشیست کرد، مجاهدین و سایر باندهای قومی و سایر جنگ طلبان، بعنوان شرکای جنایت جنگی، ثبت شده است.

۱۲ مارس ۲۰۲۶ ۲۱ اسفند ۱۴۰۴



برای دفاع از زندگی و امنیت خود دست به کار شوید

مردم آزادیخواه ایران!

در این جنگ ویرانگر امروز بیش از هر زمانی همبستگی، اتحاد و همدلی برای دفاع از زندگی و امنیت مان ضروری است. با اتحاد و همبستگی خود میتوان مصایب این جنگ و ویرانی را به کمترین حد رساند و اجازه نداد این جنگ و جنگ طلبان امید، اتحاد و اعتماد به نفس را از شما سلب کنند.

ما همه مردم، زن و مرد، پیر و جوان از همه اقشار را به دست زدن به دفاع از خود فرا میخوانیم. در این راستا اقدامات زیر را میتوان و باید به فوریت در دستور خود قرار دهید.

- سازمان دادن خود در محلات و مراکز کار و... در کمیته های همیاری و دفاع مستقل از حکومت، به منظور تلاش جمعی برای حفاظت از جان خود، استفاده از نیروی جمعی تان برای حفاظت از خود در مقابل بمباران و شرایط جنگی است.
 - سازمان دادن تیمهای کمک رسانی، پزشکی و کمکهای اولیه با امکانات خود در محل، تیم های توزیع مواد غذایی، سوخت، آب و... در میان مردم و بویژه کمک به کودکان و سالمندان و حفاظت از آنها در این شرایط جنگی
 - سازمان دادن اسکان و همیاری با مردمی که از مناطق بمباران شده فرار کرده و آواره شده اند، رفع مشکلات آنها در سطح توان و با امکانات جمعی، در شهر و محلات
 - تامین و حفاظت از امنیت محلات و محل کار، ممانعت از میلیتاریزه و نا امن کردن محل کار و زندگی مان، چه از جانب جمهوری اسلامی، به بهانه "حفظ امنیت ما"، و چه از جانب دستجات و باندهای ضد اجتماعی مدافع اسرائیل، به نام "مقابله با جمهوری اسلامی."
 - دست رد زدن به سینه همه نیروهایی که بمباران مراکز مسکونی و بیمارستانها، مدارس و کودکانها و کشتار مردم را شرایط مناسبی برای "آزاد کردن ایران"، "پس گرفتن ایران"، "احقاق حقوق اقلیتها" یا "انقلاب" معرفی میکنند، بخشی از تلاش برای حفاظت از خود و اجازه ندادن به این نیروها در تبدیل شما به سیاهی لشکر سناریوهای ارتجاعی است.
- حزب حکمتیست (خط رسمی) همراه شما مردم آزادیخواه در ایران، همراه طبقه کارگر و مردم متمدن و صلح طلب در سراسر جهان برای پایان این جنگ جنایتکارانه و کاهش مخاطرات آن میکوشد.

نه به جنگ

زنده باد اتحاد و همیاری مردم آزادیخواه

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱۱ اسفند ۱۴۰۴ - دوم مارس ۲۰۲۶

جنگ و بمباران آزادی برای مردم ایران نخواهد آورد

دشتی جمال

پس از ماهها تهدید نظامی و بازیهای دیپلماتیک میان آمریکا و ایران، در ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ حمله نظامی گستردهای از سوی آمریکا و اسرائیل آغاز شد. این جنگی هولناک و ویرانگر است که بیش از ۱۷۴ شهر ایران را تحت تأثیر قرار داده است. ایران نیز در پاسخ، اسرائیل و پایگاههای نظامی آمریکا در خاورمیانه را بمباران کرد. این وضعیت جهان را در خطر بزرگی قرار داده و هیچکس نمی‌داند این جنگ چگونه پایان خواهد یافت.

در چنین شرایطی، غیرنظامیان قربانیان این جنگ غیرانسانی هستند. برخلاف آنچه آمریکا و اسرائیل می‌گویند، این جنگ خاورمیانه را برای همیشه تغییر خواهد داد. ادعاهایی مانند "این جنگ برای نابود کردن سلاح‌های هسته‌ای ایران است" یا "برای آوردن آزادی برای مردم ایران" درست نیست. هدف واقعی، بازسازی و شکل دادن به "خاورمیانه جدید" است. این جنگ علیه مردم آزادیخواه ایران و علیه خود انسانیت است.

درخواست برای توقف فوری این جنگ به معنای حمایت ما از رژیم جمهوری اسلامی نیست. آن رژیم طی ۴۷ سال گذشته برای مردم ایران فقر، بی‌عدالتی، زندان و اعدام به همراه داشته است. با این حال، این جنگ به جنبش داخلی برای سرنگونی رژیم، جنبشی که توسط زنان، کارگران، جوانان، معلمان و دانشجویان هدایت می‌شود، آسیب می‌زند. این جنگ آن پیشرفت‌ها را به عقب می‌راند.

برخی گروه‌ها، مانند گروه رضا پهلوی، مجاهدین و برخی احزاب گرد، به‌طور غیرمسئولانه‌ای عمل می‌کنند. آن‌ها ادعا می‌کنند که آماده‌اند به عنوان سرباز برای آمریکا و اسرائیل خدمت کنند. آن‌ها این جنگ ویرانگر را "نعمت" می‌نامند، فقط برای آن‌که سهمی از قدرت آینده به دست آورند. آن‌ها حاضرند برای منافع خود شاهد ویرانی مدارس و بیمارستان‌ها و کشته شدن مردم باشند. این خواست مردم ایران نیست. مردم می‌دانند که بمباران شهرها و آواره شدن هزاران نفر تنها جامعه را نابود می‌کند؛ همان‌طور که در عراق، لیبی، افغانستان و سوریه اتفاق افتاد. این آزادی نیست؛ بلکه طرحی از سوی قدرت‌های بزرگ است. کسانی که برای این جنگ هورا می‌کشند باید محکوم شوند. آینده سیاسی ایران باید تنها توسط مردم خود ایران تعیین شود، نه با مداخله نظامی خارجی.

اقدامات ترامپ و نتانیاهو نشان می‌دهد که آن‌ها هیچ احترامی برای حقوق بین‌الملل یا حقوق سایر ملت‌ها قائل نیستند. آن‌ها جهان را به سوی یک درگیری تاریک کشانده‌اند. وظیفه همه مردم و طبقه کارگر در سراسر جهان است که در برابر این جنگ بایستند و بگویند: "این جنگ، جنگ ما نیست."

متوقف کردن جنگ مهم‌ترین گام است. ایستادن در برابر این جنگ به معنای حمایت از مبارزه واقعی مردم ایران برای صلح، امنیت و آزادی است. این تنها موضع واقعی در برابر نظامی‌گری و جنایت در جهان است.

۶ مارس ۲۰۲۶

ترجمه مطلب منتشر شده در سایت "ورکر لبرتی" از انگلیسی به فارسی

https://www.workersliberty.org/index.php/story/2026-03-07/war-and-bombing-will-not-bring-freedom-people-iran?language_content_entity=en

نه قومی نه مذهبی زنده باد هویت انسانی

صدای مردم در ایران باشیم!

روز شنبه ۷ مارس جهان شاهد تظاهراتی عظیم علیه حمله امریکا- اسرائیل به ایران در شهرهای مختلف جهان بود. هزاران نفر از ایرانیان مدافع آزادی و رهایی مردم ایران در کنار مردم بشردوست و صلح طلب علیه کشتار مردم بیگناه در ایران و در خاورمیانه به خیابانها آمدند و با صدای رسا به این جنگ و جنگ طلبان فاشیست نه گفتند!

صدها هزار نفر با شعارهای "قطع فوری و بدون قید و شرط جنگ"، "نه به کشتار کودکان"، "قطع کمکهای نظامی به اسرائیل"، "دستها از ایران کوتاه"، "نه به جنگ، نه به جمهوری اسلامی"، "زن، زندگی، آزادی" به خیابانها آمدند و حمایت بی قید و شرط خود را از مردم در ایران و از جنبش آنان برای آزادی و امنیت و رفاه اعلام کردند.

تلاش جمهوری اسلامی و نیروهای طرفدار آن که با پرچمهای جمهوری اسلامی برای هایجک کردن این تظاهرات در این اعتراضات شرکت کرده بودند، با اعتراض وسیع شرکت کنندگان روبرو شد. علیرغم سوء استفاده تبلیغاتی جمهوری اسلامی از این اعتراضات در دنیای واقعی، در خیابانها و در دل این تظاهرات این تلاش برای تبدیل اعتراض به جنگ و دفاع از زندگی و امنیت مردم ایران و جدال آنان برای آزادی و رفاه و امنیت، به نمایش حمایت از جمهوری اسلامی، شکست خورد. حضور پرچمهای جمهوری اسلامی با شعارهای "نه به جنگ، نه به جمهوری اسلامی"، به عقب رانده شد. این حقیقتی است که جمهوری اسلامی و نیروهای جنگ طلب در اپوزیسیون تلاش میکنند آنرا لاپوشانی کنند.

ایرانیان مدافع آزادی در خارج کشور!

امروز جنبش علیه جنگ، جنبش ما در دفاع از مردم ایران، در دفاع از زندگی و امنیت آنان و برای پایان فوری و بدون قید شرط جنگ است و نباید اجازه داد جمهوری اسلامی و طرفداران آن با حضور خود در این تحرک، آنرا دستمایه تبلیغات ارتجاعی و ضدمردمی خود کنند.

مقابله با این تلاش بیش از هر چیز منوط به حضور گسترده شما، با شعارهای انسانی، رادیکال علیه جنگ و علیه جمهوری اسلامی است. فقط با حضور گسترده، سازمان یافته و قدرتمند است که میتوانیم مانع هایجک کردن و سوءاستفاده جمهوری اسلامی از این تحرک انسانی، بشردوستانه شویم. عدم حضور هر یک از شما در این اعتراضات امکان ابراز وجود جمهوری اسلامی و طرفدارانش و سوءاستفاده آنان از جنبش ما و بشریت انساندوست را فراهم کند.

این جنبش ما و سنگر ما برای دفاع از مردم در ایران و زندگی و امنیت شان است. نباید صحنه را برای جمهوری اسلامی و طرفداران آن خالی کرد.

با شعارهای "نه به جنگ، نه به جمهوری اسلامی"، "نه به کشتار کودکان بیگناه در ایران"، "دستها از ایران کوتاه" و در این اعتراضات شرکت کنید!.

برای شکل دادن به صفی نیرومند در دفاع از مردم در ایران و جدال شان برای آزادی، رفاه و امنیت، برای رساندن صدای مردم ایران علیه جنگ و علیه جمهوری اسلامی، برای بستن راه سوءاستفاده جمهوری

اسلامی از جنبش ضد جنگ به خیابانها بیاوید. صدای مردم ایران علیه جنگ و علیه جمهوری اسلامی باشید. مردم در ایران امروز بیش از هر زمانی به حضور گسترده و قدرتمند شما نیاز دارند.

فعالین حزب در شهرهای مختلف آماده هر کمک و همکاری برای تامین حضور هماهنگ، گسترده و سازمان یافته در تجمعات و تظاهراتی ضد جنگ هستند و شما را به حضور در این اعتراضات با پرچم مستقل، آزادیخواهانه و انسانی دعوت میکنند.

برای هماهنگی شرکت در اعتراضات ضد جنگ با رفقای حزب در محل تماس بگیرید.

تماس با نمایندگان حزب در کشورهای مختلف:

- لندن: سونیا محمدی: 0447405341146
- گوتنبورگ: سیوان رضایی 0046739241383
- کلن: محمد راستی 004917662974768
- برلین: آسو فتوحی 00491723112588
- تورنتو: احمد مطلق 0016479996735

نه به جنگ، نه به جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی و برابری

تشکیلات خارج حزب حکمتیست (خط رسمی)

۸ مارس ۲۰۲۶

قدرت طبقه کارگر در شکل و تخریب اوست!

خلد حاج محمدی

زمانی که نقابها

برای مردم ایران، منطقه و جهان را با مخاطرات جدی روبرو کرده است. جنگ و میلیتاریسم عریان که سنتا سیاست دول غربی به رهبری آمریکا بوده است، امروز به شکل بسیار زمخت تر، عریان تر، بی پرده تر با عریه کشی های بی شرمانه ترامپها و نتانیاهو ها در میان کف زدن و کف چرانی های هواداران جنگ و حمله به ایران در اپوزیسیون بورژوازی آغاز شد و پیش میرود.

سیر کشمکشهای چند سال گذشته، نسل کشی مردم فلسطین توسط دولت فاشیستی اسرائیل و حمایت و همکاری بی شرمانه دول غربی از اسرائیل و اکنون هم در حمله نظامی به ایران و موضع دولتها و رسانه های غربی و نهادهای بین المللی، سازمان ملل و زیر مجموعه های آن، گواه دوره ای دیگر از توحش افسار گسیخته دولت آمریکا در دوره زوال خود، توسط شخصیتهای افسار گسیخته آن، ترامپ و نتانیاهو، است که همه مرزهای اخلاقی را در هم شکسته است. دوره ای که نقابها افتاده اند، رهبران دول بزرگ "جهان متمدن" در لباس واقعی خود به عنوان قصابان و قاتلین مردم، به عنوان گانگسترهای نظامی در مقابل بشریت متمدن عرض اندام کرده اند و هواداران بی مایه آنها در مرگ قربانیان این توحش رقص و پایکوبی میکنند.

حمله به ایران و تحمیل جنگی جنایتکارانه که کل خاورمیانه را وارد دوره ای سیاه و خونین کرده بر خلاف ادعاها و تبلیغات هیئت حاکمه آمریکا و دولت فاشیست اسرائیل و تبلیغات جنگی رسانه های غربی و هواداران جنگ، تا به حال به اهداف ادعایی آنها نرسیده است. این حقیقت برای دولت ترامپ که با خیالبافی و لاف زنی بیمایه، فرمان صادر میکرد و وعده میداد ظرف چند روز "قال قضیه را میکند" و مدال پیروزی را بر سینه میزند، بی اندازه گران تمام شده است. اسرائیل با علم به این حقیقت در تلاش است با موشدوانی های تروریستی در عربستان و راکت زدن به ترکیه، آذربایجان و قیرس و... به نام "حملات" ایران، پای این کشورها را نیز به جنگ مستقیم با ایران بکشاند، سیاستی با رو شدن دست او، شکست خورد.

اکنون جنگ وارد مراحل حساسی شده است و برخلاف ادعای ترامپ کنترل و پایان آن صرفا در اختیار آمریکا و اسرائیل نیست. ایران علیرغم لطمات سنگینی که خورده است، علیرغم کشتن خامنه ای و تعداد قابل توجهی از رهبران و مقامات نظامی آن، و ویرانی شهرها و... مدعی است که حاضر به تسلیم و حتی کوتاه آمدن نیست. برای جمهوری اسلامی نفس مقاومت و ایستادن در مقابل آمریکا به عنوان بزرگترین قدرت نظامی جهان و اسرائیل به عنوان منفورترین و جنگ طلب ترین دولت در خاورمیانه، و ناکام گذاشتن پروژه آن، پیروزی است. جمهوری اسلامی روی نفرت جهانی و بر حق مردم صلح دوست و متمدن از جنایات و توحش دولتهای غربی به رهبری آمریکا، جنایتی که در نسل کشی مردم فلسطین به اوج خود رسید سرمایه گذاری کرده است و میکوشد خود را نماد ایستادگی در مقابل این توحش معرفی کرده و توحش خود علیه مردم آزادیخواه ایران را زیر فرش کند.

عدم موفقیت تانکونی آمریکا و اسرائیل در این جنگ، تأثیرات آن بر اقتصاد جهان و عدم حمایت متحدین طبیعی آمریکا از این جنگ، آینده جنگ و چگونگی پایان آنرا برای آمریکا پیچیده تر کرده است. این شرایط حساس، خطر دست بردن دولت آمریکا و بویژه اسرائیل به ماجراجویی های بزرگ تر برای عقب نشینی "قهرمانانه" را بالا برده است. امروز دولت اسرائیل و محافل و هواداران او در اوج وقاحت و بی شرمی حتی تهدید به استفاده از سلاح هسته ای میکنند.

جنگ و ائتلاف کردستانی

پس از گذشت یک هفته از حمله نظامی به ایران و برآورد نشدن اهداف آمریکا، مسئله ضرورت ورود نیروی زمینی وارد محاسبات روسای آمریکا و اسرائیل شد. پیش از این ماجرا و حتی در جنگ ۱۲ روزه، اسرائیل از همه ظرفیتهایی که گروههای فاشیستی و عقب مانده، از باندهای فاشیست اریایی تا مجاهد، گروههای قومی و مذهبی از بلوچستان تا کردستان از جمله بخشی از جریاناتی که در ائتلاف کنونی حضور دارند، استفاده کرد. اما اینبار پروژه بمباران فرشی کردستان (که سران اسرائیل قول داده بودند) و ورود نیروهای مسلح احزاب و گروههای "کرد" به کردستان ایران زیر فرماندهی پنتاگون، سازمان سیا و موساد به عنوان نیروی زمینی جنگ در دستور بود. در این

راستا تماس آمریکا با روسای بازرانی و طالبانی و فشار برای وارد شدن به این پروژه، تهدید به قطع کمکها و حمایت آمریکا در صورت عدم موافقت آنان، قدمی در راستای اجرای این پروژه بود.

طرحی که مدتها قبل روی آن کار شده و جریانات ناسیونالیست کرد را برای چنین پروژه ای آماده کرده بودند. تبلیغات وسیع این جریانات، در کنار نئوپهلوی ها، مجاهد و انواع گروههای باند سیاهی و رسانه های هوادار اسرائیل، مبنی بر "ناتوانی" مردم ایران در مقابله با جمهوری اسلامی و لزوم حمله نظامی را کسی فراموش نکرده است.

ائتلاف ۵ جریان و باند در کردستان شامل "حزب دمکرات کردستان ایران"، "پژاک"، "سازمان زحمتکشان شاخه رضا کعبی"، "حزب پاک" و "سازمان اسلامی خبات"، که قبل از حمله شکل گرفت، اساساً در جهت یک کاسه کردن نیروهای مسلح این جریانات زیر سیاست اسرائیل و آمریکا، و آماده کردن آنان برای شرکت در سناریوی جنگ بود.

امروز دیگر اینکه اسرائیل و آمریکا مدتها است میکوشند نیروهای اپوزیسیون را زیر یک چتر عمومی جمع کنند تا بتوانند از آنها به عنوان اهرم فشاری در خدمت سیاست خود علیه جمهوری اسلامی استفاده کنند، قابل لاپوشانی نیست. ائتلافهای متعدد، پیمانهای مختلف اساساً حول رضا پهلوی که یکی پس از دیگری به شکست کتیده شد و سناریوی سوریه ای کردن ایران با اتکا به نیروهای قومی و مذهبی را روی میز آورد. شکل دادن به ائتلاف احزاب کردی، راه انداختن باندهای تبهکار به نام مدافع مردم بلوچ و عرب و... تلاشی در این راستا است.

نیروهای ناسیونالیست کرد و سران آنها با این توهم که با بمباران فرشی کردستان، نیروهای آنان راهی کردستان ایران میشوند، با اعتماد به نفس باورنکردی مردم کردستان را خطاب قرار دادند که نیروهایشان برمیگردند و از مردم خواستند به آنها بپیوندند. این جریانات از عوامل جمهوری اسلامی که کرد زبان اند درخواست کردند به آنها بپیوندند. آنها چنان مست این سناریو که زیر فرماندهی آمریکا و اسرائیل و بر متن ویرانی کردستان به نان و نوایی میرسند، بودند که حتی سرسوزنی به معضلات این طرح و به آینده اردوگاههای خود در کردستان عراق فکر نکردند.

آنها با شادی لباس رزم به تن کردند تا به جای سربازان اسرائیل و آمریکا جنگ کنند. رهبران این جریانات یکی پس از دیگری و زمانی که مردم ایران، مردم در شهرهای کردستان زیر بمباران و آتش خون برای نجات جان کودکان و عزیزان خود در تلاش بودند، شاد و سرمست، نوید "آزادی مردم" به عنوان ثمره حمله به ایران را میدادند. روسای حزب پاک، سازمان زحمتکشان کعبی و شخص عبدالله مهدی و... از برکات جنگ و بمباران برای مردم کرد و رسیدن به "حقوق ملی" خود گفتند و در ستایش آن گوی سبقت را از اربابان خود، از ترامپ و نتانیاهو ربهوده بودند.

یکی از بازندگان این ماجرا عبدالله مهدی است. او همزمان یکی از پر سرو صدا ترین مبلغین، حامیان و فعالین حمله به ایران و هوادار سرسخت جنگ است. کسی که در میان نیروهای ناسیونالیست کرد وزن سیاسی جدی ندارد، در خیزش ۱۴۰۱ راه تحمیل خود را به این جریانات در پیوستن به جبهه ای بزرگتر، ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی و رضا پهلوی جستجو کرد. اما چرخش رضا پهلوی به فاشیسم آریایی و شمشیر "تمامیت ارضی" کشیدن این روزنه را هم کور کرد. عدم پیوستن او به ائتلاف ۵ جریان اساساً بدلیل رقابتهای درونی این جریانات بر سر رهبری این ائتلاف بود. اما راه یافتن نمایندگان ائتلاف ۵ جریان ناسیونالیست کرد و مجاهدین به کاخ سفید، تماس ترامپ با رهبری حزب دمکرات، راهی جز پیوستن به این ائتلاف را برای مهدی باز نگذاشت.

مهدی در ستایش از جنگ و حمله نظامی به ایران، هیروشیما و ناکازاکی را به عنوان الگویی "ارزشمند" و "موفق" در جنگ جهانی دوم علیه ژاپن و برای تکرار آن در ایران وراجی میکرد، به عنوان پیشقراول صف جنگ طلبان در کمال بیشرمی به نام مردم ایران، میگفت "در صورت حمله نظامی اسرائیل و آمریکا به ایران احتیاجی به نیروی پیاده نظام نیست و آنرا مردم ایران تأمین میکنند". آری این روزها نقابها از چهر افتاده اند و هر شخص و جریانی با ماهیت واقعی خود قابل دیدن است و مهدی در بیشرمی در دفاع از کشتار مردم، در استفاده از بمب اتم و ایجاد هیروشیما و ناکازاکی دیگر، حتی دست باندهای دست ساز آمریکا و اسرائیل را هم از پشت بسته است.

پروژه ورود نیروی زمینی از کردستان عراق به کردستان ایران عملاً شکست خورد. این شکست نه به دلیل عدم آمادگی ائتلاف نیروهای کرد، بلکه بدلیل تن

ندادن بارزانی و جریان طالبانی به ورود به جنگ با ایران بود. آنها ریسک ورود به جنگ با ایران را قبول نکردند و متوجه مخاطره چنین سیاستی را برای آینده خود شدند. آنها تردید نداشتند در صورت شرکت در این پروژه، کردستان عراق از یکطرف میدان جنگ و موشک باران جمهوری اسلامی و حمله نیروی نیابتی آنان، حشد الشعبی، و از طرف دیگر ورود دولت ترکیه به این جنگ، وارد شدن دولت عراق بعنوان "مدافع خاک عراق و امنیت آن" و مجری توافقات قبلی با جمهوری اسلامی به کردستان عراق خواهد بود. و تردید نداشتند که این پایان اقلیم کردستان و حکومت شان خواهد بود. این مسیر را جمهوری اسلامی با بمباران و موشک باران پایگاههای امریکا در عراق و کردستان عراق، به اردوگاههای جریانات کردی عملاً آغاز کرده است.

اما و مستقل از شکست یا عدم شکست پروژه امریکا- اسرائیل برای فرستادن نیروی زمینی از کردستان و استفاده از جریانات فوق، این پدیده ظرفیت بغایت ضد انسانی، باند سیاهی و مزدوری این جریانات، علیه مردم کردستان و علیه مردم ایران، را در مقابل چشم همگان قرار داد. این نیروها همچنانکه ما بارها تاکید کرده بودیم در این دوره تاریخی بسیار پر مخاطره، در جنگ دولتهای جنایتکار اسرائیل و امریکا، به نام "مبارزه با جمهوری اسلامی" و "احقاق حقوق مردم کرد" کنار امریکا و اسرائیل و به عنوان نیروی آنها آماده نبرد شدند.

ما بارها تاکید کردیم که این جنگ دست جمهوری اسلامی را در تحمیل فقر، تحمیل استبداد و فضای پادگانی، تحمیل اعدام و زندان و زن ستیزی، تحمیل فرهنگ متعفن ناسیونالیستی و اسلامی، علیه مردم آزادیخواه باز خواهد کرد. کسانی که به نام دفاع از ایران، دفاع از وطن و مردم ایران در مقابل حمله خارجی کنار جمهوری اسلامی می ایستند هیچ تفاوتی با جریاناتی که به نام "مقابله با جمهوری اسلامی" در کنار اسرائیل و امریکا ایستاده اند نیست. این دو جبهه ارتجاع امپریالیستی و ارتجاع محلی است که ضد هر نوع عدالت، هر نوع حقوق انسانی و هر نوع امنیت و صلح و آسایشند. ۶ جریان ناسیونالیست کرد به نام "مقابله با جمهوری اسلامی" به عنوان سرباز جنگی امریکا و اسرائیل، مستقیماً علیه مردم محروم در کردستان و در ایران، علیه جنبش آزادیخواهانه آنها در مقابل جمهوری اسلامی وارد جنگ شده اند. همین برای قرار دادن آنها در لیست مزدوران و سرباز جنگی اسرائیل و امریکا است!

مردم کردستان، همه زحمتکش و محرومان جامعه در این روزهای سخت برخلاف جنگ طلبان و نیروهای ارتجاعی در این دو قطب، همراه مردم در سراسر ایران، ضمن نفرت از جنگ و جنگ طلبان، در تلاش برای دفاع از خود و نجات خود از بمبهای "بشردوستانه" اربابان احزاب ناسیونالیست کرد اند. مردم آزادیخواه در کردستان و در سراسر ایران، زیر بمباران و تهدید و جنگ و جنایت، میکوشند متحدانه از همدیگر حمایت کنند، میکوشند این دوره سخت و پر مخاطره را به کمک همدیگر سپری کنند، میکوشند رشته های انسانی همیاری، کمک به همدیگر و حفاظت از زندگی و امنیت و با هم بودن را سازمان دهند. میکوشند همکاری و کمک به هم را سازمان دهند تا در کنار هم مشقات جنگ را به هر میزان که ممکن است کاهش دهند.

این جنگ را مردم ایران شروع نکردند. بلکه توسط دو دولت جنایتکار اسرائیل و امریکا به آنان تحمیل شد. مردم کردستان همراه صدها میلیون انسان در ایران و منطقه و جهان علیه این جنگ، علیه اهداف آن و علیه جنگ طلبان هستند و بخشی از جنبشی اند که قبلاً علیه نسل کشی اسرائیل در فلسطین جهان را در بر گرفت و امروز علیه جنگ در ایران، علیه میلیتاریسم، علیه اسرائیل و امریکا و در دفاع از مردم آزادیخواه در ایران و علیه جمهوری اسلامی در جریان است.

این دوره به طور عریانی نشان داد که نیروهای سیاسی، جنبشها و جریانات مختلف کجا ایستاده اند. نشان داد در پس شعارهای پر طمطراق جریانات مختلف بورژوازی، در پس ادعاهای "حقوق بشری و دموکراسی" خواهی آنها، در پس حق و حقوق "اقلیتهای ملی و مذهبی" یا "تمامیت ارضی"، چه جانورانی کمین کرده اند. این دوره بدون هیچ پرده پوشی، بدون هیچ تعارفی در جدالی خونین صف بندیها عیان شد، نقابها از چهره ها افتاد و احزاب و جریانات و گروههای مختلف در دل دوره ای ترسناک با هویت و سیمای واقعی خود، ظاهر و معرفی شدند. بی تردید مردم آزادیخواه در ایران و کردستان در یک دوره پر مخاطره به خوبی دوستان و دشمنان خود را شناختند.

۱۲ مارس ۲۰۲۶

مردم ایران و جنگ

ثریا شهابی

بی بی سی "نوشت از زمان آغاز حملات امریکا و اسرائیل به ایران، دستکم چهار حمله به تاسیسات نفتی در اطراف تهران تایید شده است و دود ناشی از حمله به مخازن نفت و پالایشگاهها بر فراز تهران گسترده شده است و بندبال آن قطرات باران سیاه سمی بر تهران بارید. سازمان بهداشت جهانی هم هشدار داده است که حمله به تاسیسات نفتی می تواند خطرات جدی برای سلامت ساکنان ایجاد کند.

این خبر و اخبار حملات موشکی و تخریبی تلافی جویانه ایران به کشورهای خلیج و حمله به پایگاههای امریکا در منطقه که عملاً نقل و انتقال نفت از تنگه هرمز را متوقف کرده است و تبلیغات جنگی در مورد گسترش موازی حملات به ایران و هم حملات تلافی جویانه ایران به اسرائیل و زیرساخت های زیستی متحدین امریکا در منطقه، بشریت در سراسر کره خاکی را در هراس از فردا، چشم انتظار "معجزه" ای نگاه داشته است.

بشریتی که با گوشت و پوست و خون خود احساس میکند که هر درجه از پیشروی هریک از این جبهه ها، جز مرگ و نیستی، تخریب و گرانی و فقر و فلاکت بیار نخواهد آورد. جهانی خواهان قطع فوری و بی قید و شرط این جنگ است و آن را هر روز در تظاهرات ها و شبکه های ارتباط جمعی و میدیاهای اجتماعی، فریاد میزند!

اما برای مردمی که در ایران تحت این شرایط هم در خانه و هم بیرون از آن، خطر اصابت موشک ها و بمب های قویترین قدرت نظامی جهان، یعنی امریکا و عزیز دردانه "سایکوپات"، "اتمی" و "درنده خو" آن اسرائیل، را بر سر خود و خانواده و دوستان و همسایگان را قریب دو هفته است که هر روز و هر لحظه احساس میکند، این جنگ، بسیار بیش از همه جنگ هایی که تجربه کرده است، مخوف و فلج کننده و ترسناک است.

برای مردمی که در این شرایط ترسناک بعلاوه، به بهانه این جنگ وسیعاً تحت بمباران فریادها و تهدیدهای مقامات قدرت حاکم بالای سرشان هستند، که "می کشیم هراتکس که امروز و تحت شرایط جنگی اعتراض کند"، چرا حرکت اعتراضی ش، خیانت و "وطن فروشی" و خود او دشمن است، که حکم تیر و اعدام و مصادره اموال از قبل برایش صادر شده است، این جنگ علاوه بر تخریب و کشتار و خون ریزی، ابعاد دیگری هم دارد.

دسترسی مردم در ایران محدود است به خبر حملات و تلفات و خسارات و آگاهی از وضعیت معیشتی و زندگی بخش های آسیب پذیر و آسیب دیده، غالباً محدود و منحصر به آنچه است که حکومت تصمیم میگیرد آن را در راستای منافع خود، از تریبون های انحصاری خود منتشر کنند. با این وجود در هر فرصتی که روزنه ای برای تماس با دنیای بیرون باز میشود، شاهد صدور انواع بیانیته ها و هشدارها و فراخوان هایی هستیم که توسط نهادها و سندیکاها و گروه ها غیردولتی، فعالین و سازمان دهندگان و شخصیت های معتبر در ایران هستیم که خواهان پایان جنگ است. فراخوان هایی که همگان را به تلاش برای تامین امنیت و معاش و سلامت بخش های آسیب دیده و ضعیف تر، همچون کودکان و سالمندان و بیماران و محرومینی که معاش و زندگی بخور و نمیرشان هم امروز آنها را علاوه بر خطر موشک در خطر مرگ از گرسنگی و سرما و بی دارویی قرار داده است، واقیعی است که خبر آن کمتر سر تپتر خبرهای جهان میشود.

این مردم، علاوه بر بمب ها و موشک هایی که از خارج توسط امریکا و اسرائیل از بالا بر سرشان می ریزد، علاوه بر تهدیدات و خط و نشان کشیدن ها و میدان های تیری که از داخل توسط حکومت بطرف شان نشانه گرفته می شود، علاوه بر قرار گرفتن خود و کودکانشان در معرض سموم ناشی از انفجار مخازن نفت و پالایشگاهها، علاوه بر زندگی در اضطراب و التهاب غیرقابل تصور از جنگی که میروند ابعاد گسترده تر جهانی به خود بگیرد، از طرف "دوستان" دروغین خود، تحت بمباران سموم سیاسی دیگری هستند که تلاش میکنند بنام "شریبت" به خوردشان داده شود. سموم سیاسی که قربانیان این جنگ را به طرفداری از بمب افکن ها فرامیخواند. آنهم از طرف کسانی که بنام "دوستی" و "دلسوزی" به حال آنها، این سموم را مرتب بر سرشان می بارند و مردم را بیش از پیش تحت فشار روانی قرار میدهد.

سموم ناشی از خالی شدن "باد گلو" بدبو و مهوعی که از دهان جنگ طلبانی که

ضمن" تشکر از ترامپ و بی بی سی، با فرو ریختن هر موشک و بمبی بر سر ایران، به بهانه "نفرت از جمهوری اسلامی"، فریاد "زنده باد جنگ" شان بلند تر میشود، تحمل این شرایط را برای مردم، دشوار تر و بر احساس خطر شان می افزاید.

سمفونی گوش خراش مشتاقی "ماجراجوی" سیاسی که با هستی یک جامعه نود میلیونی "قمار" برد یا باخت میکنند، صفی که رهبران و در راس آن رضا پهلوی شان در انتظار انهدام کامل ایران، انهدام "همه با هم"، حکومت منفور و نود میلیون شهروند بیگانه آن هستند، تا برای اجرای نمایش سیاه و کثیف به قدرت رسیدن شان بر مخروبه های تهران و دهها و دهها شهر بزرگ ایران، نوای تباهی و سیاهی شان را بنوازند، مضمّن کننده است. هرچند که امروز بی پایه بودن پروپاگاندایشان بر ملا شده است و در منظر مردم در ایران، بیش از پیش منزوی و مورد انزجار هستند.

مردم در سراسر جهان زیر بمباران اخبار و گزارشات و تحلیل ها و برآوردهای غالباً جانبدارانه دولت ها و اپوزیسیون ها، هرروز و هرلحظه چشم انتظار دیدن نشان و نوری در انتهای تونل وحشت "جنگ جهانی سومی" هستند که خطر آن خواب از چشم همگان ربوده است.

آمریکا و اسرائیل در حمله به ایران، غالباً تنها و منزوی شده اند. جهانی، چه در سطح دولت ها و حکومت ها و چه در سطح شهروندان، نگران و هراسان از عواقب وخیم تر ادامه این جنگ هستند. اما مردمی که در جبهه سوم، برای پایان دادن فوری به این خطر به صف شده اند، در مقابل همه جنگ طلبان، خواهان پایان فوری و بی قید و شرط این جنگ کور هستند. صفی که مستقل عمل میکند و منتظر به نتیجه رسیدن جدال ها و مذاکرات و دیپلماسی و پس و پیش کشیدن قدرت های حاکم جهان و منطقه و به امید تغییر توازن قوا طی این جنگ و جنگ های بیشتر فرسایشی و از جمله به نتیجه رسیدن تغییرات توازن قدرت، پس از فروپاشی ایران و تبدیل یک جامعه نود میلیونی به غزه دیگری، نیستند.

قطع فوری و بی قید و شرط این جنگ را همین امروز میخواهند. نه پیروزی آمریکا و اسرائیل را پیروزی خود میدانند و نه پیروزی ایران در عملیات های تلافی جویانه و تهدیدات تعرضی و اعلام "جنگ جنگ تا پیروزی" به بهای نابودی کامل ایران و بهمهرا خود دهها و دهها جامعه دیگر.

این تنها جایگاه و موضعی است که در کنار مردم ایران و دوست مردم ایران است. موضعی که خواهان پایان دادن فوری و بی قید و شرط این جنگ است و در کنار حق مردم ایران برای زندگی انسانی و حفظ شیرازه جامعه و زیرساخت های زیستی و حیاتی یک جامعه نود میلیونی، است. خواست و مطالبه ای که نمی خواهد زندگی نود میلیون انسان در ایران، در گرو تسویه حساب فی مابین طرفین این جنگ، بماند و آن را وجهه معامله این تقابل خونین و مخرب نمی کند و در انتظار پایان این جنگ، با "پیروزی" این سو یا آن سو، نیست.

این شرایط علاوه بر جنگ و تخریب و خطرات گسترش آن، در حال حاضر و تا اینجا بیشترین ضربه را به جنبش اعتراضی در ایران که می رفت برای همیشه جامعه خود را از شر جمهوری اسلامی خلاص کند، زده است. هیچ کس و هیچ قدرتی، نه قدرت های جهانی با تبلیغات و وعده و .. و نه جمهوری اسلامی با سرکوب و تهدید و ارعابی که مردم آن را بی اثر کرده بودند، قادر نبودند تا این اندازه در کالبد بی قدرت شده جمهوری اسلامی، روح تعرض و تهدید بدمد و ماشین ارباب و سرکوب آن علیه مردم را روغن کاری کند. بیش از چهار دهه جنگ و جدال مردم در ایران با این "قدرت منطقه ای" که آن را به بن بست بقا کشانده بود و می رفت که آن را به نیروی سازمان یافته خود سرنگون کند، به برکت "حمله آمریکا" و "جنگ" امروز قادر شده است که نه تنها در مقابل اسرائیل و آمریکا و متحدین جهانی آن، که بعلاوه و مهمتر از آن در مقابل مردم ایران و جامعه ای که نمی خواهدش، به بهانه این جنگ، بر طبل "قدرتداری" و زنده نگاه داشتن شمشیر رعب و وحشت بکوبد.

مردم ایران، در این شرایط بسرعت از شهروندان فعال و دخیل در جدال های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، متحد و متشکل معترض و دادخواه و اعتصابی و متحصن و ... زنان، کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان و دانش آموزان ... به احاد و افراد پراکنده "جنگ زده" ای که "در ترس از بیرون رفتن از خانه و در هراس ماندن در خانه" به موقعیت "نظاره گران" "بی اختیار" رانده میشوند، تبدیل شده اند. مردم معترض و دادخواه و مبارز و خوشبین و پیشروی، که امروز بر سر مطالبات و خواست هایشان، دیگر نه

رفاه و آزادی و تن ندادن به حجاب و آپارتاید جنسی و عدالت اجتماعی که پایان هرچه سریع تر و زودتر این "برزخ" و برهوت خرابی و تباهی نوشته شده است، کسانی که از همه طرف زندگی و مسکن و سلامت و بقا جامعه شان، به لبه پرتگاه تباهی کشیده میشود.

هیچ کس و هیچ شریایی نمی توانست رابطه جامعه و نود میلیون شهروند در ایران با جمهوری اسلامی، که زیر فشار اعتراضات و اعتصابات و پیشروی های مردم که حاصل بیش از چهار سال جدال و مبارزه شان با دشمنان در قدرت و بخصوص پس از خیزش "زن زندگی آزادی"، کمرش خم شده بود و به بن بست رسیده بود، را این گونه تغییر دهد که جنگ آمریکا و اسرائیل آن را تغییر داد.

حکومتی که توسط مردم به بن بست و شکست های پی در پی ایندولوژیکی و اجتماعی و سیاسی کشانده شده بود، بسرعت در دل این جنگ کور، تلاش میکند با گرو گرفتن جان و زندگی مردم در این جنگ، اقتدار بریاد رفته اش را بر فراز سر یک جامعه متوقع نود میلیونی، باز سازی کند.

به گفته روزنامه اعتماد "سردار احمدرضا رادان فرمانده کل انتظامی کشور در گفت و گوی ویژه خبری با اشاره به شرایط کشور در دوران جنگ گفت "در فضای مجازی به آنها اعلام کرده بودیم که از اینجا به بعد در جنگ همه مسائل را جنگی می بینیم. کسانی که بخواهند در فضای مجازی تشویش اذهان عمومی کنند به عنوان دشمن تلقی می شوند و با آنها برخورد می کنیم... چندین نفر را هم دستگیر کردیم و برای آنها پرونده تشکیل شد و به دستگاه قضایی معرفی شدند و دستگاه قضایی نیز با اطمینان خاطر اعلام کرد که مصادره، اعدام و زندان در انتظار این افراد است؛ افرادی که می خواهند ذهن مردم عزیز ما را مخدوش کنند. ما در فضای مجازی مشغول هستیم و تعدادی از افراد مؤثر نیز در این راستا دستگیر شدند!"

این سناریوی "آزاد سازی" و "حملات بشردوستانه" ای است که گنبدترین رگه های راست جهانی، از مجرمین و جانیان قرن، ترامپ و نتانیاهو که امروز با تخریب کامل غزه و یک نسل کشی مهیبیت "افتخار" پایان معضل غزه و حماس را در پرونده دارند، برای ایران تدارک دیده اند. امری که از دیماه تا امروز "محصولات" نجات بخش آن را برای مردم، یا با زمینه سازی برای حمام خونی که در دیماه براه افتاد، یا با شلیک بمب ها و موشک های "بشردوستانه" بر خانه و مدرسه و بیمارستانها و مخازن سوخت شان، می بینیم.

امروز عقب مانده ترین و متوهم ترین، مستاصل ترین و کم اطلاع ترین بخش های جامعه هم، به تجربه و به عینه و به قیمت مرگ های بسیار و خرابی های بیشمار، و خطر گسترش آن، واقعیات را دریافته اند.

این تغییر توازن قوا و رابطه میان مردم و جمهوری اسلامی است، که علاوه بر جنگ و تخریب و خطر گسترش آن به کشورهای بیشتری در خلیج و ترکیه و پاکستان و افغانستان و .. و مداخله قدرت های بین المللی دیگر، از اروپا تا چین و روسیه و .. که خود این کشورها با تردید و هراس از آینده آن میگویند، آینده ایران حتی پس از پایان این جنگ را هم برای مردم، بیش از پیش مخاطره آمیز و بحرانی میکند.

تغییراتی که در جامعه ایران، در رابطه با جنبش برای آزادی و برابری و رسیدن به "ایک زندگی معمولی" و برآورده شدن آرمانهای عدالتخواهانه و ازادخواهانه و برابری طلبانه نسل خوش بین و امیدواری که دو دهه بود که توازن قوا بین خود و قدرت ارتجاعی بالای سرش را تغییر داده بود صورت گرفته است، مهم است.

باید آن ها را دید، باید آن ها را ارزیابی کرد، باید آنها را به فاکتور جدال ها در ایران علیه جنگ و برای زندگی آزادانه و مرفه، اضافه کرد. شکاف بین حکومت و جامعه، بین مردم و نظام جمهوری اسلامی، با هیچ درجه از فریادها و پروپاگاندای "میهن پرستانه" و "ضدامپریالیسی" و داعیه "حفظ امنیت ایران" پر نخواهد شد. اما این جدال در شرایط متفاوت و دیگری صورت میگیرد.

ایران در منگنه دو ارتجاع، یکی در قدرت و یکی بعنوان اپوزیسیون (آمریکا و ترامپ) که مشغول بمب افکنی هستند، وارد دوره تازی ای شده است. نه فقط در دل این جنگ و پس از آن، که امروز در دل همین جنگ، میتوان جنبش برای آزادی و برابری، جنبش سرنگونی که میرفت به پیروزی برسد، را در شرایط جدید و در سنگر های دیگری قدرتمند و تقویت کرد!

ایجاد همبستگی و انواع شبکه های مردمی، اتحاد "غیردولتی" و "غیرحکومتی" در حفظ امنیت جامعه، رسیدگی و مراقبت از آسیب دیدگان و رسیدگی به جنگ زدگان و جلوگیری از گسترش مصائب جنگ، مقابله با گرسنگی و فقر و فلاکت و مقاومت در مقابل جنگ طلبانی که از پشت ارتجاع حاکم، جمهوری اسلامی، به پشت ارتجاع میلناریستی آمریکا و فاشیسم اسرائیل شیفت کرده اند



و تلاش میکنند برای سناریو سیاه و تباه کنندشان از مردم فقر و فلاکت زده و جوانان مستاصل و به تنگ آمده سرباز گیری کنند، یک رکن مقابله با تعرض جمهوری اسلامی به بهانه جنگ برای احیا اقتدار سیاسی و نظامی و ایدئولوژیک خود بر فراز سر مردم، است. این یک رکن مقابله با شکل گیری هر اقتدار ارتجاعی ضد مردمی، هم در دل این جنگ و هم پس از پایان آن است!

مقاومت و آگاهگری در مقابل پروپاگانداها و سربازگیری های جمهوری اسلامی، در رقابت با آمریکا و اسرائیل برای شرکت در مراسم "تجدید پیمان با نظام" و پروپاگاندا های جنگ طلبانه حکومت، با بیرق دروغین "میهن پرستی" میهنی که حاضران همراه خود و نظام شان آن را به فروپاشی کامل بکشاند، حفظ امنیت خود و همه فعالین و تلاش برای به حداقل رساندن خسارات این جنگ، جلوگیری از تفرقه و شکاف در صف جنبش ضدجنگ و جنبش آزادی و برابری، و جلوگیری از اعدام و دستگیری ها و احضارهای "مخفیانه" همه و همه عرصه های امروز جدال جنبش ما است.

باید این مسابقه قدرت، بسرعت به پایان برسد و سایه سیاه مناقشه اسرائیل و آمریکا از سر مردم در ایران و منطقه برای همیشه کم شود. این سناریویی ممکن است! باید کاری کرد که بسرعت و پیش از تبدیل ایران به غزه دیگری، این جنگ با پایان برسد. در انتظار پایان پروسه های دیپلماتیک و به سرانجام رسیدن "ابراز نارضایتی" های فاقد کمترین معنی عملی، نماند! این جنبش امروز بخصوص در غرب بسیار قوی و پرشتاب است. باید به آن پیوست و آن را تقویت کرد و با اقدامات عملی مجبورشان کرد که این فاجعه را فوراً ختم کنند.

بی تردید با پایان این جنگ، در خاورمیانه، با وجود نسل کشی در جریان اسرائیل از مردم فلسطین و قدر قدرتی فاشیسم اسرائیل و فاجعه نسل کشی غزه، صلحی برقرار نخواهد شد. اما پایان این جنگ میتواند شرایطی بوجود آورد که در آن نیروهای مترقی، سناریو سفیدی در خاورمیانه، از جمله جنبش ما، که در خیزش "زن زندگی آزادی" حمایت سراسر خاورمیانه و جهان را جلب کرد، بار دیگر عروج کند و صف خود و قدرت خود برای دخالت و تأثیرگذاری را به میدان بیاورند. جمع شدن بساط میلیتاریسم و جنگ و پایان دادن به تبدیل خاورمیانه به حیاط خلوط میلیتاریسم غزب و دهها و دهها باند جنایی قومی و مذهبی و مافیاهای مختلف و نیروهای نیابتی و .. بی تردید فضای پیشروی جنبش های مردمی در ایران و خاورمیانه راه، چون بهار عربی، چون انقلاب مصر و تونس و چون خیزش "زن زندگی آزادی"، فراهم میکند.

از زاویه منافع مردم مترقی در خاورمیانه، مردم ایران و جنبش ما، پایان فوری و بدون قید و شرط این جنگ، پایان میلیتاریسم و گسترش جنگ به بهای به خون کشیدن خاورمیانه، اولین و مهمترین خواست است. این جنگ بی قید و شرط باید فوری ختم شود!

۱۲ مارس ۲۰۲۶
۲۱ اسفند ۱۴۰۴

این تصویر که ایران یک انتلاف شکننده از اقوام و ملل است که گویا منتظرند دولت مرکزی ضعیف بشود تا هر کدام ساز خود را بزنند و "دولت خود" را بخواهند تصویری واقعی نیست. اما در صورت به هم ریختن شیرازه مدنی جامعه و معلق شدن زندگی اقتصادی متعارف، آنگاه این که عده ای از سر استیصال راه نجات خود را در هویت ملی و ناسیونالیسم و سوا کردن خرجشان جستجو کنند غیر ممکن نخواهد بود. قالب ملی و قومی در درجه اول میتواند بعنوان عکس العملی به جریانات شووینیستی و فاشیستی برجسته بشود. عظمت طلب ها و آریایی پرست های متعصب، کسانی که تقدس "تمامیت ارضی" ورد زبانشان است، میتوانند این مسأله را به مردم تحمیل کنند. اگر بنا باشد با هر تکانی که رنگی از قومیت و ملیت به خود بگیرد یکی در تهران هیاهو راه بیاندازد و ژست بگیرد که "چکمه هایم را از پایم در نمیآورم" و اسم هر حرکتی را "غانله" بگذارد و بخواهد قشون کشی بکند، آنوقت آنطرف هم، بخصوص در این دوره و زمانه رشادت بورژواهای کوچک، آدم مشابه برای تضمین تبدیل شدن کشور به صحنه جنگ اقوام و قبایل کم نیست. منزوی کردن ملی گرایی و قومی گری در چنان شرایطی فقط از عهده جریانی ساخته است که آزادیهای سیاسی و حقوق مدنی مردم را به جامع ترین شکل به رسمیت میشناسد، و لذا میتواند مطالبات و کش و قوسهای ملی را به یک مجرای سیاسی کانالیزه کند. نه کسانی که خود نماینده قوم پرستی و شووینیسم بخشهای دیگر جامعه اند. خلاصه کلام، کشمکشهای احتمالی بعدی در ایران میتواند در ادامه خود رنگ قومی هم بگیرد. اما این بستگی دارد به اینکه چقدر نیروهایی مثل ما اجازه بدهند که جریانات فاشیست، عظمت طلب، آریایی پرست و غیره در این پروسه میدان دار بشوند. تبلیغات وسیع و فعالیت دائمی ما علیه ناسیونالیسم و عظمت طلبی ایرانی و قوم پرستی و ملی گرایی تا همینجا با محدود کردن دامنه شلنگ تخته های این جریانات و با ایجاد حساسیت در میان چپ نسبت به ناسیونالیسم کمک زیادی به آینده کشور و سد کردن دورنمایی از نوع یوگسلاوی کرده است. این فعالیت باید همچنان با جدیت ادامه پیدا کند.

منصور حکمت

به بازی گرفتن کلوب ناسیونالیسم کرد توسط آمریکا و اسرائیل!

محمد جعفری

کلوب احزاب ناسیونالیسم کرد که تاریخی مملو از جنگ، صلح و مذاکره با حکومت های مرتجع منطقه؛ و ننگ حمایت از جنگ خلیج سال ۱۹۹۱ با خود دارد، هیچ وقت نتوانسته در هیچ موردی یک سیاست اصولی و انقلابی اتخاذ نماید.

از اینجا که اهداف این احزاب نمی تواند قائم بذات بر روی پای خود و با تکیه بر منافع کارگران و مردم متحقق شود، استراتژی بجایی رسیدن خود را در گرو گره زدن این جنبش به منافع یکی از قدرت های امپریالیستی و شکاف در رقابت های حکومت های منطقه، جستجو می کند که این بار دست به دامن آمریکا-اسرائیل شده است. ناسیونالیسم مانند ویروس است که بیشتر در فضای آلوده، در جامعه تضعیف شده و در جریان سناریوی سیاه رشد می کند. آمریکا و اسرائیل متوجه سبک وزنی این اپوزیسیون مرتجع است، از این روی آنها را فراخوان داده تا نقش سرباز وظیفه سناریوی سیاه آمریکا- اسرائیل در ایران بعهده بگیرند. در همین مسیر است که امروز این ائتلاف آماده شده تا در رکاب آمریکا نقش تکمیلی سناریوی سیاه در منطقه را ایفا نماید.

اگر استراتژی آنها به همبیمانی با آمریکا و اسرائیل، این قاتلان کودکان میناب و غزه سوق داده و می خواهند به قعر این منجلاب شیرجه ببرند، تصمیم اتخاذ این سیاست کثیف با خودشان است. اما ما مردم ایران، کارگران و کمونیست ها و هر انسانی که خود را شایسته آزادی و برابری می داند، اجازه تعیین تکلیف برای مردم کردستان را به آنان نخواهیم داد تا مانند خودشان مردم را رعایای شاه... آمریکا و اسرائیل تصور نمایند. ما ضمن مقابله با حکومت فاسد جمهوری اسلامی، در مقابل خرافات ملی گرایی و مذهبی و انواع خرافاتی که ارزش مشترک رژیم اسلامی، احزاب ناسیونالیسم کرد، آمریکا و اسرائیل است، مبارزه می کنیم. صف آرایخواهی مردم از این کلوب اپورتونیست متمایز است. ما با درس گرفتن از تجربه تاریخی و دست آوردهای مبارزاتی جنبش بین المللی طبقه کارگر و کمونیسم، هم در مقابل طاعون ملی گرایی و هم سیاست میلیتاریستی آمریکا نه تنها ایستادگی کرده؛ بلکه زمینه رشد نیروهای سناریوی سیاه را ریشه کن خواهیم کرد. علیرغم هم جبهه بودن همه طرفین ناسیونالیست های آریایی به رهبری "تمامیت ارضی" خواهان سلطنت طلبان، و مشروعیت دادن به مداخله نظامی آمریکا و اسرائیل؛ توسط هر دو، آنها در عمل زمینه جنگ های ملی ناسیونالیست ها در آینده را فراهم کرده اند. وقتی رضا پهلوی این متحد ریاکار فعلی طرفداران حمل نظامی آمریکا به ایران، این حریفان را سران عشایر لر، کرد و ترک خطاب کرده، دورنمای آینده تاریک برای حل مسأله مردم متکلم به زبان های متعدد در ایران ترسیم نموده. مداخله نظامی آمریکا- اسرائیل در ایران صحنه های سناریوی سیاه در کردستان را فراهم کرده است. در مقابل این ائتلاف، شایسته است که طبقه کارگر، کمونیست ها و هر انسانی که دل اش برای اتحاد مردم ایران می سوزد، طرح و توطئه تمام پرسوناژهای این سناریوی سیاه را خنثی کند.

فرهنگ ناسیونالیسم مانند مذهب انسان را خرف می کند!

مبحث جاری من در نقد دفاع کلوب احزاب ناسیونالیست کرد از حمله نظامی آمریکا-اسرائیل به ایران شروع شد. اما قدمت مفاهیم "حق ملت کرد" به این دوره از بحران خاورمیانه و به این حمله محدود نمی شود. از دیرباز تا امروز کلوب ناسیونالیسم کرد مفاهیمی به اسم "حق ملت کرد" را به هر گفتمان طبقاتی و اجتماعی در این منطقه آویزان کرده که گویا برای احقاق آن، هر اقدامی توسط هر کسی و هر جریانی که باشد، مشروع است- حتی به قیمت تبدیل شدن به یکی از مهره های سناریوی سیاه آمریکا و اسرائیل! اینجا اجازه بدهید تا نگاهی به این "حق" چیست داشته باشیم که آیا این می تواند مجوزی برای همراهی این کلوب با این سناریوی سیاه باشد؟

حتماً شما هم بارها شنیده اید که انسان های آلوده به فرهنگ ناسیونالیسم در همه جوامع مغرورانه و حق به جانب این عبارت را تکرار می کنند: "من به ایرانی بودن خود، یا من به کرد بودن خود و یا من به آمریکایی بودن خود افتخار می کنم". لطفاً دقت کنید که تا چه حد این "من به ایرانی یا به کرد بودن خود افتخار می کنم" بی محتوا، آگاهی وارونه و نُهی از جوهر و ارزش های انسانی انسان معاصر است. "ایرانی بودن" و "کرد بودن" چیست که در مقیاس سنجش و راستی آزمایی جوهر، ارزش و محتوای پراتیک انسان و حقوق انسان؛ باید به

آن افتخار یا شرم کرد؟ شما که به ایرانی بودن، یا به کرد بودن خود، افتخار می کنید، یعنی با چه چیزی افتخار یا شرم می کنید؟ مثلاً اگر من کرد و ایرانی نباشم چه چیزی از انسان هم تراز و معاصر کم یا بیشتر دارم؟ اگر من کرد و ایرانی نباشم مخالف تشکلهای کارگری، نهادهای ساختارها، اتحادیه، سندیکا، و آزادی بی قید و شرط فعالیت سیاسی هستم؛ و اگر کرد و ایرانی باشم موافق آنها؟ اگر من ایرانی یا کرد نباشم، مخالف آزادی زن بوده و چون برابری زن و مرد را قبول دارم، پس ایرانی و کردم؟ من کرد هستم یعنی من چه هستم: انقلابی یا ضد انقلاب؟ انتیست یا مذهبی، صاحب کار، سرمایه دار و یا کارگر...؟ "من کردم" چه ربطی به حقوق کودک، به احترام گذاشتن آزادی های مدنی و مبارزه برای رفا و امنیت کودکان دارد؟ من نوعی که خواهان جدایی دین از دولت، خرافات زدایی در جامعه و نهادهای آموزش و پرورش هستم، بخاطر کرد بودنم است؟ اگر انسانی کرد نباشد با مخالفان سیاسی خود توهین و برخورد غیر سیاسی می کند و اگر کرد باشد رفتار متمدنانه و اصولی و سیاسی با آنها خواهیم کرد؟

الحق "من کردم، من ایرانیم، آمریکایی..." هیچ معیاری برای سنجش هیچ ارزشی انسانی نیست. اینجا مشخص می شود که روح بی روح ناسیونالیسم غیر از بر انگیزتن تعصب کور و آگاهی وارونه، هیچ ارزش به درد بخوری برای استثمارشوندگان به ارمان نمی آورد. دقیقاً سر آغاز گمراهی تمام جنبش های ناسیونالیستی و ناسیونالیست های امروز همین احساس تعلق به قوم یا ملت منحصر به فرد است. لذا از روزی که طبقه اجتماعی (کارگر) و ارزش های جهانشمول انسان فارغ از محل تولد، تیره و تبار و نژاد وی همراه با این طبقه به صحن جامعه وارد شد؛ دیگر معیار و مقیاس انسانی و اصولی بودن انسان در هر فعالیت اجتماعی، با آزادی این طبقه سنجید می شود. در این قلمرو، ناسیونالیسم اصلی ترین موضوع مبارزه اجتماعی انسان امروز را مصادره به مطلوب و افسانه "حق ملت" را جای آن می نشاند. بنابراین، اساس مخالفت من با حمله نظامی آمریکا- اسرائیل به ایران از درک و تسلط بر روندها و منافع طبقه کارگر ناشی می شود که بخاطر این که شاید فردا رئیس یک گروه از ائتلاف سازمانهای کردی را به کد خدای یک استان از کردستان به گمارند، منافع بلند مدت طبقه کارگر را قربانی عواقب میلیتاریسم افسار گسیخته و نتایج شوم آن برای دنیا چه خواهد بود، نمی کنم.

نه به جنگ آمریکا و اسرائیل علیه مردم ایران

این درجه از حماقت باور نکردنی است که وقتی بمب های آمریکا و اسرائیل ساختمان های تهران را با خاک یکسان می کند، منابع آب نوشیدنی و مدرسه ها را منهدم می کند، طرفداران حمله نظامی آمریکا به ایران و متحدین اسرائیل: پهلوی چی ها، مجاهدین و احزاب ناسیونالیست کرد از شادی رقص می کنند! این درجه از حماقت محصول فرهنگی است که خود جمهوری اسلامی، نظام ارباب رعیتی پهلوی و ملی گرایی به آنان یاد داده است. و گر نه انسان فهیم که خود را مرید شیخ و رعیت شاه ندانسته؛ با عقل سلیم این حقیقت را می داند که وقتی در جریان جنگ زیر ساخت های اقتصادی نابود شد، پس از آن مردم ایران یک کشور ویران و درب و داغان شده تحویل می گیرند که کم ترین ظرفیت تولید داشته باشد. در صورت نبود رفا و زندگی مدنی در جامعه، انسان های آسیب دیده و آسیب پذیر همدیگر را لت و پار می کنند و نه تقسیم آزادی و شفقت و دوستی. ما همیشه گفتیم که حمله نظامی آمریکا-اسرائیل به ایران صورت مسأله اعتراض و مبارزه مردم آزادی خواه با رژیم اسلامی از ریل خارج و آنان را وادار به عقب نشینی می کند و متأسفانه تا حدودی چنین شده است. این یک واقعیت است همزمان مبارزه با حکومت کثیف اسلامی و ایستادن در مقابل طرح شوم آمریکا- اسرائیل مانند تیغ دولبه است. ارزش ها و برداشتن پرچم جمهوری اسلامی که ارزش اپوزیسیون پرو مداخله آمریکا نیز هست، تا قبل از این حمله می رفت مایه ننگ شود، اما اکنون در خیلی از کشورهای دنیا به نشانه نفرت از سیاست های قلدرمناشانه آمریکا- اسرائیل در خیابان ها بدست گرفته می شود! جمهوری اسلامی که هیچ مشروعیتی برای حاکمیت بر مردم ایران ندارد، به نام مبارزه با "استکبار جهانی" آمریکا تلاش میکند برای رژیم اش اعتبار و آبرویی کسب کند. این جنگ جلوی تعرض مردم به رژیم را گرفت و صورت مسأله را ولو موقت عوض نمود.

اما با وجود تمام این موانع و سختی های این دوران (گذار) مبارزه مردم با نیروهای سناریوی سیاه؛ باید با شجاعت در هر دو جبهه با افتخار جنگید. انسان معترض به هر دو سوی نیروهای سناریوی سیاه، بی باک از شانناز کردن و متهم کردن این مبارزه با طرفداری از یکی از آنها، قادر به خنثی کردن این سفسطه است. ما به هیچ کدام از طرفین این سناریوی سیاه بدهکار نیستیم و تاریخ زندگی ما نشان داده که همیشه علیه خرافات ملی گرایی، مذهب، اسلام سیاسی و انواع خرافاتی بوده و هستیم که مورد احترام آمریکا، اسرائیل، رژیم ایران و اپوزیسیون



سایت رادیو: radioneena.com

کانال یوتیوب: youtube.com/@radioneena60

تلگرام: t.me/RadioNeenna

اینستاگرام: instagram.com/radioneena

فیسبوک: facebook.com/radioneena

تماس با حزب

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

mohammed.raasti1954@gmail.com

سردبیر کمونیست: احمد مطلق

amotlagh28@gmail.com



صفحات حزب در میدیای اجتماعی

تلگرام: Hekmatistx@

اینستاگرام: instagram.com/hekmatist_official_line

فیسبوک: facebook.com/Hekmatist.ol

سردبیر حکمتیست هفتگی آذر مدرسی

راست او است.

ما موظفیم در این شرایط سخت در مقابل هر دو سوی این سناریوی سیاه- با هر امکانی که در دست داریم، برای نه گفتن به جنگ آمریکا-اسرائیل علیه مردم ایران، جبهه های مبارزه جنبش طبقه کارگر و کمونیستی خود را تقویت کنیم. جنبش کمونیستی طبقه کارگر بالقوه ظرفیت برگرداندن این ورق را دارد. موضوع اصولی مبارزه با جمهوری اسلامی از کانال تلاش برای بالفعل کردن این ظرفیت بالقوه می گذرد.

مارس ۲۰۲۶

اسفند ۱۴۰۴

سایت های آثار رفیق اعظم کم گویان

آغاز به کار کرد.

آرشیو آثار سیاسی و تلاشهای نظری رفیق اعظم کم گویان در دو سایت "بیاد اعظم کم گویان" و سایت "بی خدایان" توسط رفیق کورش مدرسی تهیه و راه اندازی شده اند.

قطعا نقدهای تیز و عمیق اعظم به جهان امروز میتواند ابزاری در دست علاقمندان کمونیسم، مدافعین آزادی و رهایی زن، فعالین رهایی طبقه کارگر در جدالهای سیاسی باشد.

آدرس سایتها:

بیاد اعظم کم گویان:

<https://azam-kamguyan.koorosh-modaresi.com/>

بی خدایان:

<https://bikhodayan.koorosh-modaresi.com/>

حزب حکمتیست (خط رسمی)